

## استراتژی پولدار شدن در هنگام مردن!



اگر بفهمید تا چند ماه دیگر می‌میرید، چه می‌کنید؟ واکنش‌تان چیست؟ به یاد کارهای نکرده و جاهای ندیده می‌افتید یا اینکه سیلاب اشک همدم روزهایتان خواهد شد؟ خوب است بدانید مردن هم می‌تواند آدم‌های معمولی را پولدار کند. چطور؟

جان ماتیوز در حال حاضر ۵۹ سال دارد اما در اصل قرار بوده که تنها ۵۶ سال عمر کند. در ماه آوریل سال ۲۰۰۶ پزشکان متوجه وجود غده‌ای پیشرفته و وخیم در بدن این مرد انگلیسی می‌شوند. بیماری سرطان در بدن وی تا آن اندازه پیشرفت کرده بود که آنها امید چندانی به زنده ماندن جان ماتیوز نداشتند و بر طبق پیش‌بینی‌ها او دیگر نمی‌توانست سال ۲۰۰۷ را تجربه کند.

قبول این امر برای جان ماتیوز چندان ساده نبود، برای همین هم بعد از فهمیدن این‌که تنها چند ماه دیگر زنده خواهد ماند، دست به یک شرط‌بندی ویژه و استثنایی می‌زند. او ۱۰۰ پوند بر سر اینکه تا روز اول ژوئن سال ۲۰۰۸ زنده می‌ماند، شرط می‌بندد.

زمان می‌گذرد، جان برنده می‌شود و در همین تاریخ با پای خود به بنگاه شرط‌بندی می‌رود تا پول خود را دریافت کند؛ البته نه ۱۰۰ پوند، بلکه در این میان ۵ هزار پوند نصیب او می‌شود.



این تازه اول راه است زیرا او در همان‌جا دوباره یک شرط جدید می‌بندد: ۱۰۰ پوند بر سر اینکه یک سال دیگر یعنی در روز اول ژوئن سال ۲۰۰۹ همچنان زنده خواهد بود.

سال ۲۰۰۹ فرا می‌رسد و در اولین روز از ماه ژوئن مردی با لباسی مرتب و لبخندی گشاد بر لب وارد بنگاه شرط‌بندی می‌شود تا ۵۰۰۰ پوندش را که در شرط‌بندی برنده شده از مسئول باجه دریافت

کند. حالا جان ماتیوز مردی است که توانسته در دو سال آخر عمرش سرمایه‌ای ده هزار پوندی را در حساب بانکی خود واریز کند.

هرچند او وصیت‌نامه‌اش را نوشته و تمام مقدمات مرگ و برنامه‌ریزی برای مراسم سوگواری خود را آماده کرده، اما با این حال چشم‌انداز کوتاه آینده باعث نشده تا ماتیوز دست از شرط بندی جدید بکشد. اگر او یک سال دیگر هم زنده بماند، در روز اول ژوئن سال ۲۰۱۰ باز هم به بنگاه شرط بندی خواهد رفت تا به اندازه‌ی ۵ هزار پوند دیگر ثروتمندتر شود!

## فرصت اندک برای خرج کردن ۱۰ هزار پوند

ماتیوز می‌گوید: «به گمانم من اولین نفر در سراسر جهان هستم که سر زندگی‌اش شرط می‌بندد.» پزشکان بیمارستان نیز هیچ موردی را به خاطر ندارند که فردی با توموری مشابه تومور ماتیوز توانسته باشد بیش از ۲۵ ماه زنده بماند. ماتیوز می‌خواهد بخشی از مبلغی را که برده، صرف کارهای خیریه کند و می‌افزاید: «من می‌دانم که سرانجام خواهم مرد، برای همین هم نقشه‌ی خاصی برای خرج کردن این پول ندارم.»

سخنگوی بنگاه شرط بندی ماتیوز از برنده شدن مشتری‌اشان ابراز خرسندی می‌کند. از زمان تأسیس این بنگاه هیچ کس پیشنهاد چنین شرط بندی را نداده بوده است. در آن زمان ماتیوز به آنها این اطمینان خاطر را می‌دهد که وجود چنین شرط بندی به او انگیزه‌ای مضاعف برای مبارزه با سرطان می‌دهد و از همین رو هم به گفته‌ی سخنگوی این بنگاه، آنها وارد این شرط بندی می‌شوند.

جان ماتیوز همچنان نزد والدین پیرش زندگی می‌کند و مراقبت از آنها را بر عهده دارد. برای او شنیدن این خبر که سرطان دارد تنها از یک جهت دردناک بود: «بدترین چیز این بود که به آنها بگویم من دارم می‌میرم.»

SN/SA